

تولد یک رمان



سید جواد رفایی

رئیس حوزه هنری خراسان رضوی و کسی است که مقدمات انتشار جاده جنگ را فراهم کرده است.

هم گرفت. کم کم ماجرا جنجالی شد و برخی حسادت‌ها هم شروع شد.

تا الآن هشت جلد این کتاب تألیف شده و داستان تا حوادث قبل از پانزده خرداد رسیده. آقای انوری می‌گوید تا پایان جنگ، چهارده جلد می‌شود و اگر عمرم اجازه دهد کتاب بیست جلد هم خواهد شد. امیدواریم آقای انوری کتاب را با خیال راحت تمام کند و جاده جنگ اثری ماندگار باشد. تمام حرف ما این است که ممکن است خیلی‌ها مثل آقای انوری باشند که سال‌ها در خانه‌شان نشسته باشند و ناشناخته مانده باشند.

در دوره مدیریت قبلی، قرارداد «جاده جنگ» با آقای انوری نوشته شده بود. آن زمان جلد اول تمام شده بود و مقداری از جلد دوم حروفچینی شده بود. دو سال دنبال چاپ شدنش دویدم ولی حتی انتشارات سوره مهر هم آن را چاپ نکرد. من معتقد بودم کتاب خوبی است و مسائل تاریخی را خوب بیان می‌کند ولی بعضی‌ها با انتشارش مخالف بودند. قرار شد دو نفر که به کتاب انتقاد داشتند از تهران بیایند و صحبت کنیم. آمدند و جلسه گذاشتیم و نهایتاً گفتند حرف‌هایتان درست است و کتاب قابل چاپ است. اتفاقاً کتاب بعد از انتشار جوایزی

به‌وسعت زندگی



محمد رضا سرشار

رایشتر با 24 سال گویندگی در «قصه‌ظهر جمعه» می‌شناسیمش و نام‌های مستعار رضا رهگذر، رئیس هیئت مدیره انجمن قلم ایران، خود تاکنون دست‌کم 26 جایزه ملی را به خود اختصاص داده و برخی داستان‌هایش به زبان‌های انگلیسی و اردو هم ترجمه شده‌است.

است که هر کتابی ندارد. یکی از دلایل این امر و موفقیت این رمان این است که نویسنده عرصه گشوده‌ای را برای کار خود انتخاب کرده و مضامین متعددی را مطرح کرده است.

در این داستان عشقی را می‌بینید که مرز جغرافیایی و زمینی را در هم می‌شکند. حماسه و دفاع، جوانمردی و ناجوانمردی و شجاعت را در برابر بزدلی می‌بینید و ایمان و توکل و وفاداری و خیانت را در مقابل یکدیگر. در واقع، این کتاب عرصه وسیعی است همانند خود زندگی.

نوشتن رمان‌های بلند علاوه بر توانایی و تخیل هنری، حوصله بسیاری می‌خواهد. نویسنده «جاده‌ی جنگ» و «کلیدر» هر دو از نویسندگان سخت‌کوش هستند و جالب این است که هر دو خراسانی‌اند و این خاک تا کنون مشاهیر بزرگی را پرورش داده است. تا کنون این اثر حجیم‌ترین کتابی است که توسط نویسندگان انقلاب نوشته شده است. در واقع می‌توان گفت این اثر دارای ویژگی‌هایی است که هم می‌تواند طبقه رمان‌خوان‌های حرفه‌ای و هم عموم مردم را راضی کند. این خصیصه‌ای

برای یک فیلم تاریخی



سپیدلا عبدالحسینی

از داستان‌نویسانی است که دستی هم در نقد فیلم و پژوهش‌های سینمایی داشته است.

جنگی اغلب ملت‌ها به فیلم تبدیل می‌شود و ملت‌ها در این راه اصرار و اهتمام ویژه‌ای از خود نشان می‌دهند. شاید مهم‌ترین ویژگی این داستان‌ها آن باشد که تغییرات و کنش‌های آن قابل رؤیت و به‌اصطلاح تصویری است. این معمولاً حرف اول را در تبدیل شدن یک اثر ادبی به فیلم‌نامه بازی می‌کند. اثر هر چقدر به اکت و عمل نزدیک باشد قابلیت بهتری برای تبدیل شدن به یک فیلم‌نامه دارد و انرژی فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان صرف بارور کردن درونمایه و معطوف می‌شود. آشنایی نویسنده رمان جاده جنگ با دنیای فیلم‌نامه، به تصویری شدن این اثر نیز کمک بسیاری کرده است.

رمان‌های ماندگار بویژه آن‌ها که بخش مهم و یا گوشه‌هایی از جنگ را در خود ثبت کرده‌اند معمولاً دو وجه مهم دارند. اول مستند بودن وقایع و دوم آشنایی با مسائل انسانی و روانشناختی بومی و درک عمیق روحیات انسانی. نویسنده با توان خود باید بتواند تلفیق صحیحی از این دو وجه بوجود بیاورد و همه این‌ها باید در قالب یک طرح داستانی قرار گیرد. طرح داستانی با صدها جزئیات و ریزه‌کاری نیز باز محتاج نیروی ذهن و قوه تخیل نویسنده است تا بتواند به شکل متنی به نام رمان، خواندنی شود. تاریخ اصولاً داستان را در بطن خود دارد. داستان‌های تاریخی بویژه

یک داستان ایرانی



اکرم محمود بشیری

استاد ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی و صاحب پژوهش‌هایی در حوزه ادبیات داستانی است. کتاب «جلال پژوهی» از آخرین آثار اوست که سال گذشته رونمایی شد.

تعادل بین این دو امر موجب شده حقیقت‌نمایی رمان مورد توجه قرار بگیرد.

صناعت ادبی جاده جنگ به شدت بومی است و می‌توان گفت جاده جنگ یک داستان ایرانی است. امروزه وزنه رمان‌های غرب‌گرایانه نسبت به داستان‌های بومی سنگین‌تر است. عوامل زیادی در این امر دخیل است؛ مهم‌ترین آن غفلت فرهنگی معتقدان به جمهوری اسلامی و غفلت مراکز فرهنگی است. گاه مسئولانی که در یک نهاد فرهنگی گمارده شده‌اند هیچ قربانی با مسائل فرهنگی ندارند.

جاده جنگ را از جهت حقیقت‌نمایی و استناد به حوادث تاریخی می‌توان در بعضی از قسمت‌ها با رمان‌های «جنگ و صلح» و «بینوایان» مقایسه کرد. انوری بخشی از حوادث تاریخی و عینی مستند و غیر مستند را درونی و ذهنی کرده است. به‌خاطر همین صحنه‌هایی از آن در ذهن مخاطب نقش می‌بندد و ماندگار می‌شود. اینکه نویسنده حوادث واقعی و تاریخی را داستانی کند کاری بس مشکل است. آقای انوری تا جلد پنجم از عهده این کار برآمده است و علت آن بیان حوادث کاملاً ذهنی در برابر حوادث کاملاً عینی ست. یعنی یکسان‌نگری به عالم غیب و شهادت و ایجاد